

تشدید کیفر به عنوان راهکارهای حقوق جزایی در برابر تکرار جرم

سینا نیک فر^{۱*}

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یاسوج

Sinanikfar.0606@yahoo.com

چکیده

ارتکاب جرایم متعدد نشانه ناسازگاری و حالت خطرناک بزهکار است در مورد تکرار جرم نیز همین حالت است و تکرار جرم بعد از اجرای قطعی مجازات نشانه حالت خطرناک مجرم و عدم موفقیت بزهکار در تطابق خود با جامعه بعد از اجرای جرم است. یکی از اصولی که در قوانین جزایی از جایگاه والایی برخوردار است، اصل عدالت کیفری و تشدید کیفری است که احکام بسیاری از آن استخراج می‌شود و اصول و قواعد جزایی بیشماری با این اصل در ارتباطی تنگاتنگ قرار دارند. همچنین بیان کرده اند که تشدید مجازات بجا، یکی از مصادیق اجرای عدالت کیفری است. علل تشدید مجازات در نظام کیفری اسلام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا تعیین مجازات متناسب با بزه انجام شده سبب رعایت اصول انسانی و اسلامی، مثل اصل عدالت کیفری و تناسب بین جرم و مجازات می‌شود و این امر سلامت روانی جامعه را بیشتر تامین می‌کند. یکی از علل عام تشدید مجازات (تکرار جرم) می‌باشد؛ که به نوبه خود تاثیر بسزایی در تامین اهداف مجازات می‌گذارد و شخص بزه کار را از انجام مجدد جرم باز می‌دارد. در این بحث، تشدید کیفر به عنوان راهکارهای حقوق جزایی در برابر تکرار جرم مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ زیرا در صورت اشتباه، اگر میزان مجازات بزه کار کمتر از میزان جرم او باشد، اصل عدالت کیفری زیر سوال می‌رود.

کلمات کلیدی: نوع مجازات، تکرار جرم، نوع کیفر، قوه قضائیه

۱- مقدمه

عدالت و انصاف حکم می‌کند کسی که یک بار مرتکب جرم شده و آن کسی که چندین بار نظم اجتماعی را آشفته ساخته است یکسان نباشد. ارتکاب جرایم متعدد نشانه ناسازگاری و حالت خطرناک بزهکار است در مورد تکرار جرم نیز همین حالت است و تکرار جرم بعد از اجرای قطعی مجازات نشانه حالت خطرناک مجرم و عدم موفقیت بزهکار در تطابق خود با جامعه بعد از اجرای جرم است و اینکه به چه دلیل وی نتوانسته خود را با جامعه وفق دهد و زندگی عادی وی را از سر بگیرد که این خود علل زیادی می‌تواند داشته باشد از جمله اینکه در تعدد جرم شخص می‌گوید چون من یک سرقت انجام دادم و دستگیر نشدم عزم را برای انجام جرم‌های بعدی جزم تر می‌کند و در تکرار جرم اگر شخص سارق حرفه‌ای باشد هیچ‌گاه از کار خویش دست بر نخواهد داشت زیرا این شغل وی هست و اگر مبتدی باشد و برای اولین بار مرتکب چنین جرمی شده باشد چون می‌گوید دید جامعه نسبت به من عوض شده و متفاوت شده خیلی برایش سخت است که بتواند خود را در این جامعه‌ای که همه با بر چسب زدن به وی او را خطاب می‌کنند زندگی کند و دوباره اجتماعی شود.

در مبحث حقوق کیفری عمومی از سه موضوع جرم، مسئولیت کیفری و مجازات بحث می‌شود، موضوعاتی که در واقع عناوین یک دادرسی جزایی را تشکیل می‌دهند. مجازات را می‌توان بازتاب یا واکنش اجتماعی عمل مجرمانه در نقض مقررات قانونی و به عبارتی برهم زدن نظم عمومی دانست، عکس‌العملی که جرم‌شناسان و جامعه‌شناسان و متخصصین حقوق کیفری برای آن اهداف مختلفی از قبیل ارباب (اعم از فرد

مجرم یا سایر افراد جامعه)، انتقام جویی، فرونشاندن احساسات کینه توزانه زیان دیده از جرم یا اقربای او، اصلاح و تربیت مجرم، بهسازی و پاک سازی جامعه و در نهایت دفاع احتمالی در مقابل خطرات ناشی از عمل مجرم یا جلوگیری از خطرات احتمالی ناشی از اقدامات بعدی او (مجازاتهای بازدارنده) قائل گردیده اند.

شاید بتوان گفت بهترین ثمره مجازات و مهمترین هدف آن اجرای عدالت اجتماعی است. مجازاتی که به این ترتیب مورد توجه و قبول جوامع بشری و دست اندرکاران اجرای عدالت اجتماعی قرار گرفته است، در طول زمان و در ادوار مختلف چه از نظر طبع و نوع، چه از نظر نحوه ی اجرا و چه از نظر شدت و ضعف آن دست خوش تحول و دگرگونی هایی شده است. مهمترین این تحولات عبارت است از تبدیل تدریجی پاره ای از مجازاتهای بدنی به مجازاتهای سلب آزادی و تبدیل این مجازاتها به مجازاتهای مالی و بالاخره بروز تفکر جدید اصلاح و تربیت مجرم و جانشین کردن تعلیم و تربیت و اتخاذ تدابیر تأمینی و توجه به پیشگیری از وقوع جرم به جای مجازات.

مبارزه با جرم از طریق اعمال مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی و اتخاذسیاست جزایی موثر در این راه از دیرباز مورد توجه رهبران مذهبی، قانونگذاران و مصلحین اجتماعی بوده و هنوز هم اهمیت خود را از دست نداده است، به طوری که قسمت مهمی از مقررات و قوانین و حتی عرف و عادت بشری تحت تأثیر این مبارزه قرار گرفته است و هر روز راه و روش تازه ای برای برخورد بهتر با این معضل اجتماعی پیشنهاد و تصویب می گردد. توجه به تعدد جرم و مجازات آن نیز در روند این مبارزه از تغییر و تحول مصون نمانده و ارتکاب جرائم متعدد توسط یک فرد حساسیت مردم و مقامات قضائی و قانونگذاری را برانگیخته و هر زمان مقررات خاص و جدیدی وضع و به اجرا گذارده می شود. اصولاً منطق و عدالت چنین اقتضاء می کند که با کسی که یک بار مرتکب جرمی گردیده و با آن کسی که به کرات مقررات اجتماعی را نادیده گرفته و آنها را زیر پا گذارده یکسان برخورد نشود و از این رو می توان گفت که قاعده ی تعدد جرم یکی از نهادهای حقوقی برخاسته از اصل فردی کردن مجازات است و مراد از آن این است که در مورد فردی که مرتکب جرمی می شود، اگر سابقه ارتکاب قبلی جرم دیگری را داشته باشد، مجازات بیشتر و سنگین تری اعمال گردد تا نسبت به کسی که جرمی را مرتکب شده ولی سابقه ارتکاب جرم دیگری را نداشته باشد. بدین ترتیب ملاحظه می شود که فلسفه بکارگیری این نهاد حقوقی متناسب کردن و متعادل کردن میزان مجازات با درجه مجرمیت، سوء نیت، تباهی اخلاقی یا خطرناکی مجرم است به وسیله تشدید مجازات با رعایت تعداد جرائم ارتکابی او، و بدین سبب می توان گفت که قاعده تعدد جرم از موجبات تشدید مجازات است و از این روست که حقوقدانان آن را از علل مشدده مجازات دانستند و به آن جهت که رعایت آن برای دادگاهها الزامی است و قاضی در قبول یا عدم قبول آن چندان اختیاری ندارد، آن را از جهات قانونی تشدید مجازات محسوب می نمایند. به خلاف صدور حکم به حداکثر مجازات قانونی پیش بینی شده برای هر جرم، که آن هم گرچه به یک تعبیر از موارد تشدید مجازات به اعتبار کیفیت ارتکاب جرم و شخصیت مرتکب آن است، لکن چون قاضی در تعیین آن مختار است آن را از جهات قضایی تشدید مجازات محسوب می نمایند.

۲- بیان مسئله

هر جا قانون وجود دارد جرم نیز هست. زیرا ساده ترین تعریف جرم عبارت است از شیوه رفتاری که قانون را نقض کند. یکی از اصولی که در قوانین جزایی از جایگاه والایی برخوردار است، اصل عدالت کیفری و تشدید کیفری است که احکام بسیاری از آن استخراج می شود و اصول و قواعد جزایی بشماره با این اصل در ارتباطی تنگاتنگ قرار دارند. همچنین بیان کرده اند که تشدید مجازات بجا، یکی از مصادیق اجرای عدالت کیفری است.

علل تشدید مجازات در نظام کیفری اسلام از اهمیت ویژه ای برخوردار است؛ زیرا تعیین مجازات متناسب با بزه انجام شده سبب رعایت اصول انسانی و اسلامی، مثل اصل عدالت کیفری و تناسب بین جرم و مجازات می شود و این امر سلامت روانی جامعه را بیشتر تأمین می کند. یکی از علل عام تشدید مجازات (تکرار جرم) می باشد؛ که به نوبه خود تأثیر بسزایی در تأمین اهداف مجازات می گذارد و شخص بزهکار را از انجام مجدد جرم باز می دارد. در این بحث، تشدید کیفر به عنوان راهکارهای حقوق جزایی در برابر تکرار جرم مورد بررسی قرار می گیرد؛ زیرا در صورت اشتباه، اگر میزان مجازات بزهکار کمتر از میزان جرم او باشد، اصل عدالت کیفری زیر سوال می رود.

ارتکاب جرایم متعدد نشانه ناسازگاری و حالت خطرناک بزهکار است در مورد تکرار جرم نیز همین حالت است و تکرار جرم بعد از اجرای قطعی مجازات نشانه حالت خطرناک مجرم و عدم موفقیت بزهکار در تطابق خود با جامعه بعد از اجرای جرم است. مجرمی که پس از اجرای مجازات، مرتکب جرم دیگری می شود و همچنین فردی که جرایم متعددی مرتکب شده است دارای حالت خطرناک بوده و سیاست کیفری مجزایی را می طلبد. قانونگذار ایران در مواد (۴۶) الی (۴۸) قانون مجازات اسلامی، مجازات مکرر جرایم تعزیری و بازدارنده را مجازات اشد قرار داده و برای کسی که مرتکب جرایم متعددی شده است به جمع مجازات ها و تشدید مجازات متوسل شده است. قانونگذار در اجرای قسمت اخیر ماده ۴۸ به دادگاه اختیار داده است تا «در صورت لزوم» مجازات تعزیری تکرارکنندگان جرم را تشدید کند. تشخیص لزوم تشدید مجازات با دادگاه است و به نظر می رسد که رای دادگاه از این حیث باید مستدل باشد. ولی ابهام مهمی که در رفع آن کوشش بسیار شده و تاکنون نتیجه رضایت بخشی عاید نگردیده نحوه تشدید مجازات و یافتن حدودی برای آن است که همچنان مایه سردرگمی قضات و اختلاف رای محاکم است.

۳- اهمیت و ضرورت پژوهش

قانونگذار در اجرای قسمت اخیر ماده ۴۸ قانون مجازات اسلامی به دادگاه اختیار داده است تا (در صورت لزوم) مجازات تعزیری تکرار کنندگان جرم را تشدید کند. تشخیص لزوم تشدید مجازات با دادگاه است و به نظر می رسد که رای دادگاه از این حیث باید مستدل باشد. ولی ابهام مهمی که در رفع آن بسیار کوشش شده و تاکنون نتیجه رضایت بخشی عاید نگردیده نحوه تشدید مجازات و یافتن حدود برای آن است. که همچنان مایه سردرگمی قضات و اختلاف رای محاکم است.

در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مانند قوانین پیش از انقلاب به درجه بندی کردن مجازات ها پرداخته است. که این مهم در امر معین ساختن اعطای تخفیف یا اعمال تشدید در میزان مجازات جرایم ارتكابی نقش مهمی داشته است. اما آنچه در قانون ۱۳۹۲ مغفول مانده علی‌رغم شناسایی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، سکوت در مورد اعمال مقررات تخفیف و تشدید در جرایم ارتكابی توسط اشخاص حقوقی است که شایسته است مورد اصلاح قرار گیرد، همچنین قانون جدید مجازات اسلامی با از میان بردن قاعده جمع مجازات‌ها در تعدد جرایم تعزیری درجه یک تا هشت و تعیین مجازات اشد، با عبارتی اعمال تخفیف در تعدد جرم را کم‌رنگ نموده است و آن اینکه: «...اگر مجازات اشد به یکی از علل قانونی تقلیل یابد یا تبدیل یا غیرقابل اجراء شود، مجازات اشد بعدی اجراء می گردد» عملاً یعنی مقررات تخفیف را در تعدد جرم کان لم یکن پنداشته است.

۴- اهداف تحقیق

۴-۱ اهداف کلی

بررسی تشدید کیفر به عنوان راهکارهای حقوق جزایی در برابر تکرار جرم

۴-۲ اهداف جزئی

۱. بررسی تکرار انواع جرم و میزان شیوع تکرار جرم در قوه قضائیه ایران.
۲. بررسی نوع کیفر و نوع مجازات مورد نظر در تکرار جرم در قوه قضائیه ایران.
۳. بررسی تاثیر عدل و انصاف در نوع مجازات و تشدید کیفر در تکرار جرم در قوه قضائیه ایران.
۴. بررسی ارتباط بین جرم اول و دوم با یکدیگر در تشدید کیفر در قوه قضائیه ایران.
۵. بررسی ارتباط بین حکم تعزیری و تشدید مجازات در قوه قضائیه ایران.

۵- فرضیات تحقیق

۱. احتمالاً تکرار انواع جرم و میزان شیوع تکرار جرم در قوه قضائیه ایران در تشدید کیفر مؤثر می باشد.
۲. به نظر می رسد نوع کیفر و نوع مجازات مورد نظر در تکرار جرم در قوه قضائیه ایران مؤثر می باشد.
۳. شاید عدل و انصاف در نوع مجازات و تشدید کیفر در تکرار جرم در قوه قضائیه ایران مؤثر باشد.
۴. احتمالاً بین جرم اول و دوم با یکدیگر در تشدید کیفر در قوه قضائیه ایران ارتباط معنادار وجود دارد.
۵. احتمالاً ارتباط بین حکم تعزیری و تشدید مجازات در قوه قضائیه ایران ارتباط معنادار وجود دارد.

۶- مبانی نظری

۶-۱ بررسی مفهوم تشدید مجازات و اینکه آیا قاعده تشدید مجازات است یا منع تشدید مجازات؟

۶-۱-۱ مفهوم تشدید

تشدید در لغت به معنی شدت بخشیدن و بدتر و سخت تر کردن است. معنی اصطلاحی آن از معنی لغوی اش دور نیفتاده است؛ به نحوی که منظور از آن بدتر کردن وضعیت متهم در مرحله تجدیدنظر نسبت به مرحله بدوی است. این تشدید می تواند مصادیق مختلفی پیدا کند. افزایش میزان مجازات و نیز تبدیل آن به نوعی دیگر که با توجه به وضعیت متهم، نامناسب به حال وی باشد یا خارج کردن آن از حالت تبدیل و اعاده آن به حالت سابق (برای مثال؛ دادگاه متهم را به جای حبس به جزای نقدی محکوم کرده و دادگاه تجدیدنظر دوباره آن را به حبس تبدیل کند) از مصادیق تشدید است.

به طور کلی هر اقدامی که وضعیت متهم را نسبت به مرحله ی بدوی بدتر نماید، تشدید تلقی می شود. در این معنا، تغییر مجازات جنحه ای به جنایی یا تعیین مجازات حبس با اعمال شاقه به جای حبس ساده، می توانست از مصادیق تشدید باشد (در حال حاضر تقسیم جرایم به جنایت، جنحه و خلاف وجود ندارد)

۶-۱-۲ کیفیات مشدده

عبارت از شرایط و اوضاع احوالی است که اگر عمل مجرمانه توأم با آن گردد مجازات فرد تشدید می یابد. در واقع مجرم عنصر مادی جرم را به نحوی مرتکب می شود که جرم را خطرناک تر می سازد. و این نوع کیفیت مشدده ناظر به نحوه تحقق عنصر مادی فعل مجرمانه و رفتار فیزیکی مرتکب جرم است.

۶-۱-۳ کیفیات مشدده به عام و خاص تقسیم می شود.

کیفیات مشدده خاص مواردی است که مختص به جرایم خاصی است اما کیفیات مشدده عام به جرم خاصی تعلق ندارد بلکه عموم جرایم را شامل می شود این اوصاف عبارتند از تعدد و تکرار جرم.

ممکن است فردی با وجود آنکه مجازات جرم ارتكابی اولیه را تحمل نموده تنبیه نشده و مجدداً اقدام به تکرار همان جرم نماید و یا اینکه به دفعات مرتکب جرمی شود در این مورد نیز قانونگذار برای مرتکب جرم به علت تکرار مجدد جرم مسئولیت کیفری شدیدتری را قائل است و مجازاتهای سنگین تری را پیش بینی می کند.

۶-۱-۴ مبنای تشدید مجازات

تشدید مجازات تکرارکنندگان جرم، بر پایه عدالت استوار نیست بلکه بر فایده و نفع اجتماعی متکی است. وی تصریح می کند: جامعه در برابر تکرارکنندگان جرم، سرسختانه به دفاع می پردازد، چون احساس می کند که خطر بیشتری او را تهدید می کند. تکرار جرم، وصف رفتارهای

مجرمانه کسی است که به موجب حکم قطعی لازم‌الاجرا از یکی از محاکم کیفری، محکومیت کیفری یافته و بعداً مرتکب جرم دیگری شده است. وی یکی از جهات تمایز تعدد و تکرار جرم را وجود سابقه محکومیت کیفری «که شرط مهم تحقق تکرار جرم است» می‌داند.

۶-۱-۵ فلسفه تشدید مجازات

۱- شدت خطر جرم برای جامعه: گاهی پدیده مجرمانه به عنوان ناهنجاری اجتماعی به قدری برای جامعه مضر و خطرناک می‌باشد که قانونگذار برای مبارزه با مرتکب مقررات تشدید مجازات را وضع نموده است. به تعبیر دیگر یکی از جهات مهم برای ضمیمه تشدید مجازات ها، اثر سوء جرم در جامعه است مانند جرم ترور، جاسوسی، محاربه، افساد و... اینگونه جرائم از نظر اثر، بسیار برای جامعه مضر خواهند بود همچنانکه سرقت های مسلحانه و راهزنی چنین آثاری را به همراه دارند.

۲- تنفر و انزجار شدید جامعه: تنفر عمومی و قبح و زشتی عمل در نزد عموم باعث می‌شود که قانونگذار مجازات را تشدید نماید مثل توهین به مقدسات، ارتکاب جرم در اماکن مقدس، تجاوز به عنف، هتک حرمت، افتراء، نشر اکاذیب و...

۳- عدم تنبه مرتکب: در برخی از موارد، قانونگذار با مجرمین برخورد می‌کند که علی‌رغم برخورد قبلی کیفری و مجازات سابق وی، مرتکب متنبه نشده و دوباره دست به ارتکاب جرم زده است، در واقع آنچه که مقنن را وادار به تشدید مجازات مرتکب نموده است عدم تأثیر مجازات سابق است که اصطلاحاً تکرار جرم نامیده می‌شود.

۴- روحیه اصلاح ناپذیری مجرم: در بعضی از موارد، شخص بعد از آنکه جرمی را مرتکب شد، فشار افکار عمومی، ندای وجدان و ملاحظه آثار سوء جرم، موجب خودداری وی از ارتکاب مجدد نشده و قبل از دخالت دستگاه قضایی، خود قادر به اصلاح خویشتن نیست و مصادیق یا مصادیق دیگری از اعمال ممنوعه کیفری را مرتکب می‌شود که اصطلاحاً تعدد جرم نامیده می‌شود. هر یک از صور چهارگانه فوق زمینه تشدید مجازات می‌باشد.

۶-۱-۶ عوامل تشدید مجازات

قبل از بیان عوامل تشدید مجازات، توجه به این نکته لازم است که بین کیفیات مخففه مجازات و کیفیات مشدده مجازات تفاوت است که می‌توان به چند مورد اشاره کرد:

۱- کیفیات مخففه توسط مقنن اعلام شده و اجرای آن بدون تعیین نوع خاصی، به قاضی واگذار شده است در حالی که کیفیات مشدده به طور موردی توسط مقنن وضع و بیان شده است. به تعبیر دیگر اجرای کیفیات مخففه به لحاظ اینکه بر اساس دفاع از حقوق فردی و رعایت حال متهم می‌باشد در فضایی گسترده تر از اجرای کیفیات مشدده است.

۲. اعمال کیفیات مخففه اختیاری است و نیازی به تصریح مقنن ندارد، بلکه امروزه بر اساس باورهای مسلم حقوق جزا می‌توان از محدوده بیان مقنن نیز پا فراتر نهاد، جهات مرتبط با مصادیق ماده ۲۲ ق.م.ا را تأثیر گذار در تخفیف مجازات مد نظر قرار داد، ولی جهات مشدده در هر مورد نیاز به بیان مقنن دارد و باید به بیان قانونگذار اکتفا نمود و قابل تسری به جهات دیگر نیست.

عوامل تشدید مجازات از نظر طبقه بندی به دو دسته تقسیم می‌شوند:

- دسته اول: از نظر وضعیت عمومی و خصوصی: ۱- عوامل عمومی ۲- عوامل اختصاصی
دسته دوم: از نظر وضعیت جرم یا مجرم: ۱- عوامل عینی ۲- عوامل شخصی

الف) عوامل عمومی تشدید مجازات

این دسته از عوامل در قانون جزا عبارتند از تعدد جرم و تکرار جرم

تعدد جرم

تعدد جرم به حکم ماده ۴۶ ق.م.ا بر دو نوع است: تعدد معنوی و تعدد مادی

۱. تعدد معنوی

مطابق ماده ۴۶ ق.م.ا تعدد جرم عبارتست از ارتکاب جرم واحد که دارای عناوین متعدد باشد، به تعبیر دیگر وحدت معنوی و تعدد عنوان. مثل آنکه کسی در ملاً عام به عنف زن نامحرمی را بیوسد، از نظر عمل خارجی، معنوی واحد است یعنی بوسیدن نامحرم، لکن از نظر عنوان، عمل مزبور هم لمس بدن نامحرم است هم تظاهر به فعل حرام است (چون در انظار عمومی است) هم مزاحمت برای بانوان است (چون به عنف است)، همانگونه که ملاحظه می شود در اینجا عنوان متعدد است. مصادیق تعدد معنوی (تعدد اعتباری) در قانون جزا فراوان است. معمولاً در اینگونه موارد مهمترین عنوان، معیار تعیین مجازات می باشد، مثلاً در مثال فوق یعنی ارتکاب فعل حرام و تظاهر به عمل منافی عفت، مصادیقی از ماده ۶۳۸ ق.م.ا است که می گوید: "هرکس علناً در انظار عمومی و اماکن عمومی و معابر، تظاهر به عمل حرامی نماید علاوه بر کیفر عمل، به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می گردد". همچنانکه به خاطر منافی عفت بودن، مطابق ماده ۶۳۷ ق.م.ا که می گوید: "هرگاه زن و مردی که بین آن ها علقه زوجیت نباشد مرتکب روابط نامشروع یا عمل منافی عفت غیر از زنا از قبیل تقبیل یا مضاجعه شوند، به شلاق تا نود و نه ضربه محکوم خواهند شد و اگر عمل با عنف و اکراه باشد فقط اکراه کننده تعزیر خواهد شد" این موضوع قابل پیگیری است، و از جهت اینکه عمل مزبور مزاحمت برای بانوان می باشد به حکم ماده ۶۱۹ که می گوید: "هرکس در اماکن عمومی یا معابر متعرض یا مزاحم اطفال یا زنان بشود یا با الفاظ و حرکات مخالف شئون و حیثیت به آنان توهین نماید، به حبس از دو تا شش ماه و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد." و از جهت بوسیدن مطابق ماده ۱۲۴ ق.م.ا که می گوید هرگاه کسی دیگری را از روی شهوت بیوسد تا ۶۰ ضربه شلاق تعزیر می شود "مسأله قابل پیگیری است.

تذکر ۱: با توجه به آنچه که در بحث تعدد معنوی گفته شد، در مثال فوق مجازات شدیدترین عنوان که همان مزاحمت برای بانوان است (۲ تا ۶ ماه حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق) برای مرتکب منظور خواهد شد، در واقع یک مجازات است منتها مجازات شدیدترین عنوان، ولی مجازات مزبور افزایش نخواهد یافت.

تذکر ۲: غیر از مصادیقی که ذکر شد مصادیق دیگری نیز در قانون مجازات اسلامی آمده است که قابل توجه می باشد، مثلاً در ماده ۷۰۸ ق.م.ا می گوید: هرکس قمارخانه دایر کند یا مردم را برای قمار به آنجا دعوت نماید به شش ماه تا دو سال حبس و یا از سه میلیون تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی محکوم می شود. همانگونه که پیداست این جرم در عناوین متعددی قابل اندراج می باشد، اول: دایر کردن قمارخانه، دوم: دعوت مردم برای قمار، سوم: تخلف از مقررات نظام صنفی، چهارم: کسب نامشروع و ممنوع که در ماده ۲ تشدید مجازات کلاهبرداری، تحصیل مال از راه نامشروع، خود دارای مجازات می باشد، در هر حال مفاد این ماده یا موارد دیگری که از نظر خارج و عمل نیز یکی بیشتر نمی باشد، از نظر عناوین جزایی بر موارد متعددی قابل تطبیق است و همان قاعده ای که ذکر شد در اینگونه موارد جاری خواهد بود.

تذکر ۳: در موارد تعدد معنوی، هرگاه مرتکب از عنوان اشد، برائت حاصل کند آیا می توان نسبت به سایر موارد رسیدگی کرد یا خیر؟ اداره حقوقی قوه قضاییه طی نظریه شماره ۷/۹۲۸ (۶۷/۴/۱۴) می گوید: هرگاه جرائم ارتکابی، برخی مقدمه برخی دیگر باشد یا از لوازم آن باشد، مجازات جرمی داده می شود که جزای آن اشد است و با برائت از آن نمی توان بابت سایر عناوین او را مجازات نمود "همانگونه که ملاحظه می شود این بیان اداره حقوقی با موازین شرعی و باورهای حقوقی تناسب چندانی ندارد زیرا هرچند عنصر مادی این جرم یکی بیش نیست لکن عنصر مادی مزبور قابل تجزیه در بخش های مختلف می باشد، عنصر زور و اکراه و عنف، ارتباطی با عنصر تظاهر به حرام ندارد کما اینکه عنصر مادی تظاهر، ارتباطی با عنصر مادی بوسیدن ندارد، لذا باید گفت به نظر می رسد این دیدگاه اداره حقوقی صحیح نیست (نظرات اداره حقوقی ارشادی است).

۲. تعدد مادی

گاهی جرائم متعدد ارتکابی از نظر وجود مادی و فیزیکی نیز متعددند، در چنین حالتی صور زیر متصور است: حالت اول: جرائم متعدد متحد العنوان: مانند چند فقره سرقت که در اینگونه موارد یک مجازات با رعایت قواعد تشدید در نظر گرفته می شود. در این حالت دادگاه می تواند به بیش از حداکثر مجازات قانونی اقدام به صدور حکم نماید، مثلاً قانونگذار در رابطه با سرقت در شب که سارقین بیش از دو نفر باشند و

لااقل یک نفر از آن ها مسلح باشند و عنوان محارب به آنان صدق نکند ، مطابق ماده ۶۵۴ ق.م.ا مرتکبان را به حبس از ۵ تا ۱۵ سال مستحق دانسته است ، قهراً هرگاه مرتکبان ، این جرم را در موارد متعددی مرتکب شده باشند و همه آن ها در یک پرونده مورد بررسی قرار گرفته و منتهی به صدور حکم شود ، دادگاه می تواند حکم به بیش از ۱۵ سال حبس نماید هرچند در اینکه آن مقدار بیشتر چه میزانی می تواند باشد ، آیا مثلاً می تواند به ۱۰ سال حبس (بیشتر از حداکثر) حکم صادر کند ؟ به نظر می رسد حقوقدانان مقدار افزایش در تشدید تا بیش از نصف حداکثر است یعنی تا حدود ۲۲ سال ، هرچند در قانون معیاری برای تشدید ذکر نشده است .

حالت دوم : جرائم متعدد مختلف العنوان : مانند سرقت ، کلاهبرداری ، خیانت در امانت ، که در اینگونه موارد برای هر جرم یک مجازات در نظر گرفته می شود و از نظر اجرا مقررات کلی قانون مجازات اسلامی اقتضا می کند که کلیه مجازات ها قابل اجرا باشد پس در مانند مثال فوق برای جرم سرقت مثلاً ۲ سال حبس ، برای جرم کلاهبرداری مثلاً ۵ سال حبس و برای جرم خیانت در امانت به یک سال حبس حکم خواهد شد و علی القاعده همه این مجازات ها قابل اجراست . طبیعی است که چنانچه نسبت به یکی از جرائم به هر دلیلی مجازات اجرا نشود مثل گذشت شاکی ، اعمال تخفیف ، عفو و . . . سایر محکومیت ها قابلیت اجرا خواهند داشت ، چنانکه مقنن در ماده ۴۷ ق.م.ا می گوید : در مورد تعدد جرم هرگاه جرائم ارتكابی مختلف باشند باید برای هر یک از جرائم مجازات جداگانه تعیین شود " . گرچه در قانون گذشته مجازات عمومی (مصوب ۱۳۰۴) در اینگونه موارد تنها شدیدترین مجازات ها اجرا می گردید مثلاً در مثال فوق تنها مجازات کلاهبرداری اعمال می گردید .

حالت سوم : مجموع جرائم دارای عنوان خاص باشد : مثلاً کسی که بدون گواهینامه با سرعت غیر مطمئن و با نقص فنی اتومبیل و با بی احتیاطی مرتکب قتل غیر عمدی می شود ، هرچند جرائم از نظر مادی متعدّدند و هر کدام جرم مستقل می باشند لکن مجموعه این جرائم تحت عنوان قتل غیر عمدی ناشی از عدم رعایت مقررات در قانون مطرح شده است ، در اینگونه موارد همان مجازات مقرر قانونی که یکی بیش نیست اعمال خواهد گردید ، قهراً مجازات مزبور یک مجازات خواهد بود و قانونگذار خود کیفیت تشدید را در آن لحاظ نموده است. مثلاً در ماده ۷۱۸ ق.م.ا مجازات جرم مذکور ، بیش از نصف حداکثر مجازات قانونی تعیین شده است ، به عنوان مثال در ماده ۷۱۴ ق.م.ا مجازات قتل غیر عمدی ناشی از بی احتیاطی در رانندگی ۶ ماه تا ۳ سال حبس می باشد ، حال اگر راننده علاوه بر بی احتیاطی مزبور ، گواهینامه نیز نداشته باشد و ورود غیر مجاز و سرعت ممنوع نیز داشته باشد مطابق ماده ۷۱۸ ق.م.ا به بیش از دو سوم حداکثر مجازات مذکور در مواد فوق محکوم خواهد شد ، پس در این مورد متهم به ۲ سال و یک روز یا بیشتر تا ۳ سال محکوم خواهد شد . قهراً فلسفه تشدید در اینگونه موارد الزام دادگاه به صدور حکم بیش از دو سوم حداکثر و عدم جواز صدور حکم به کمتر از این میزان می باشد . به هر حال در اینگونه موارد دادگاه علاوه بر مجازات مزبور می تواند مرتکب را به مدت ۱ تا ۵ سال از حق رانندگی با وسایل نقلیه موتوری محروم کند .

تذکر ۱ : با توجه به قواعد کلی در رابطه با مجازات های تعزیری که از ویژگی های آن تبدیل می باشد باید گفت در کلیه مواردی که برای افراد مجازات تعزیری در نظر گرفته می شود با رعایت مصالح ، تبدیل آن به جریمه بلامانع است و مقدار جریمه نیز در اختیار قاضی است و ضرورتی ندارد که در قبال هر یک روز حبس ده هزار تومان جریمه تعیین شود .

تذکر ۲ : با توجه به آنچه که گفته شد موضوع تعدد جرم مربوط به مواردی است که هر جرم به طور کامل واقع شده باشد پس اگر بعضی از اعمال ، مقدمه جرم محسوب شوند به طوری که مقصود بالذات نباشند ، جرم مستقل محسوب نمی شود مثلاً کسی که از دیوار خانه ای بالا می رود و درب ورودی هال را می شکند و قفل گاوصندوق را تخریب می کند و از داخل گاوصندوق وجوهی را به سرقت می برد ، جرم او تنها سرقت است و بقیه اعمال مقدمه سرقت خواهند بود .

تذکر ۳ : علی رغم قاعده کلی بیان مقنن در جرائم متعدد متحد العنوان ، قانونگذار نسبت به بعضی از جرائم قاعده تشدید را استثنا نموده است چنانکه بنابر رأی وحدت رویه شماره ۶۰۸ هیئت عمومی دیوان عالی کشور (۱۳۷۵/۶/۲۷) ، هرگاه کسی چک های متعدد بلا محل صادر کند مشمول قاعده تشدید نخواهد شد. همچنانکه قانونگذار علی رغم ارتباط بعضی از جرائم و امکان اندراج آنها تحت یک عنوان جزایی ، نسبت به بعضی از موارد قائل به تعدد مادی شده است مثلاً در رابطه با جرم جعل و استفاده از سند مجعول ، به موجب رأی وحدت رویه ۳۱۶۰ (۱۳۱۸/۱۲/۱۶) ، جعل و استفاده از سند مجعول دو جرم محسوب می شوند نه جرم واحد.

تذکر ۴ : با توجه به آنچه که در تعدد جرم گفته شد باید گفت بعضی از صور جرائم هرچند به ظاهر مشمول تعدد هستند اما در واقع جرم واحد محسوب می شوند، مثلاً کارمندی که مبلغی را در چند نوبت متوالی از کسی رشوه می گیرد، این موضوع جرم واحد محسوب و مشمول

تعدد نیست، کما اینکه سارقی که انبار غله ای را در چند شبانه روز و چند نوبت پیاپی تخلیه می کند جرم او واحد است و آن سرقت است و متعدد نیست.

تکرار جرم

مقصود از تکرار جرم آن است که شخص پس از ارتکاب یک جرم و صدور محکومیت قطعی و اجرای رأی دادگاه ، مجدداً مرتکب جرمی شود . از نظر قانونگذار این موضوع مشمول تکرار جرم بوده و قاضی نسبت به جرم دوم قاعده تشدید مجازات را جاری خواهد نمود ، چنانکه در ماده ۴۸ ق.م.ا. بدین اشاره شده است . بدیهی است علم و اطلاع قاضی در هنگام صدور رأی نسبت به جرم اول شرط جریان تکرار جرم است پس اگر دادگاهی بدون اطلاع از این موضوع برای مرتکب مجازات عادی را لحاظ نماید با تذکر دادستان ، دادگاه مطابق مقررات اقدام خواهد کرد ، بدیهی است این اقدام به صورت صدور رأی اصلاحی خواهد بود .

تذکر ۱ : با توجه به آنچه که گفته شد برای تحقق عنوان تکرار جرم ، احراز شرایط زیر لازم است :

۱- محکومیت قبلی مرتکب

۲- قطعی بودن محکومیت سابق

۳- اجرای محکومیت

۴- ارتکاب جرم جدید پس از اجرای حکم مزبور

تذکر ۲ : مقصود از اجرای یک حکم ، تحمل محکومیت است و از نظر قانون اجرای حکم حبس از روزی است که محکوم علیه به زندان معرفی می شود ، پس اگر کسی در حال تحمل حبس مرتکب جرمی شود مشمول تکرار جرم خواهد بود . هر چند برخی از حقوقدانان به قید قطعی بودن محکومیت اکتفا نمودند و تصریح به اجرا نکردند (مانند دکتر شام بیاتی) ولی قانونگذار در ماده ۴۸ ق.م.ا می گوید : " هر کس به موجب حکم دادگاه به مجازات تعزیری و یا بازدارنده محکوم شود چنانچه بعد از اجرای حکم مجدداً مرتکب جرم گردد مشمول تکرار جرم است و تفسیر قانون به نفع متهم اقتضا دارد که قید اجرا نیز آورده شود.

۲-۶ تعدد جرم در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

۱-۲-۶ نحوه محاسبه تعدد جرم در قانون مجازات اسلامی

تعدد جرم به ارتکاب جرایم متعدد گفته می شود، مشروط به اینکه متهم برای اتهامات متعدد پیشین خود به محکومیت کیفری قطعی رسیده باشد . خواه این جرایم در فواصل کوتاهی تحقق یافته باشد که امکان تعقیب و محکومیت متهم در زمان اندک وجود نداشته است و خواه متهم متواری بوده یا جرایم او به دلایلی کشف نشده باشد. یکی از علل تشدید مجازات در قوانین جزایی هر کشور تعدد جرم است که مقنن کشور ما نیز از ابتدای قانونگذاری به آن توجه داشته است. در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ در باب تعدد جرم، تغییرات اساسی نسبت به قانون سابق ایجاد شده و مقنن در ضابطه تعیین مجازات و اجرای آن با توجه به نوع تعدد یا نوع جرم ارتكابی تغییراتی اعمال کرده است.

۲-۲-۶ صور مختلف تعدد جرم

تعدد جرم دارای صور مختلفی است؛ گاه فردی مرتکب فعل واحدی شده که دارای عناوین متعدد جرم است و ارتکاب یک عمل و رفتار واحد منجر به نقض دو یا چند ماده از قانون مجازات می شود. این نوع تعدد را تعدد معنوی یا اعتباری می گویند. مانند اینکه فردی با استفاده از سند مجعول، مبادرت به شروع به کلاهبرداری کند. در این صورت فعل واحد (ارایه سند مجعول) انجام یافته ولی دارای دو عنوان مجرمانه است. همچنین گاهی فردی مرتکب اعمال متعددی اعم از فعل و ترک فعل می شود که هر یک جرم واحدی به شمار می رود. ارتکاب جرایم متعدد در زمان های مختلف به نحوی است که در فواصل ارتکاب آنها درباره هیچ یک از جرایم ارتكابی حکم محکومیت قطعی صادر نشده است؛ به عبارت دیگر جرم دوم قبل از آنکه جرم اول منجر به یک محکومیت کیفری قطعی شود، ارتکاب یافته است.

۶-۲-۱- تعدد در جرایم تعزیری

بر اساس ماده ۱۳۱ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲، هر گاه در جرایم تعزیری رفتار واحد دارای عناوین مجرمانه متعدد باشد، مرتکب صرفاً به یک مجازات و آن هم مجازات جرم اشد محکوم می‌شود. به عنوان مثال چنانچه شخصی با ارایه سند مجعول شروع به کلاهبرداری کند، رفتار وی دارای دو عنوان مجرمانه است که در تعیین مجازات باید صرفاً یک مجازات و آن هم مجازات بزهی که در قانون شدیدتر است، لحاظ شده و مورد حکم قرار گیرد.

درباره مجازات تعدد مادی (واقعی) جرم در جرایم تعزیری نیز باید گفت که در قانون مجازات اسلامی، نوع و جنس جرایم ارتكابی در تعیین مجازات و میزان آن موثر نبوده، بلکه آنچه موثر است، تعداد جرایم ارتكابی و وجود یا نبود حداقل و حداکثر برای مجازات قانونی جرم است. در خصوص جرایم تعزیری، هر گاه جرایم ارتكابی بیش از سه جرم نباشد یا بیشتر باشد یا در مواردی که هر کدام از جرایم دارای حداقل و حداکثر است مانند اینکه مجازات جرمی از سه تا ۱۰ سال باشد یا اینکه فاقد حداقل و حداکثر است مانند اینکه مجازات جرم سه سال حبس باشد، در میزان مجازات موثر است و در هر فرض ضابطه تعیین مجازات متفاوت خواهد بود.

تعدد جرم تعزیری دارای استثناهایی است، یکی از این موارد، تعدد جرم در جرایم تعزیری درجه هفت و هشت است. به موجب مقررات تبصره ۳ ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی، مقررات تعدد جرم در جرایم تعزیری درجه هفت و هشت اعمال و اجرا نمی‌شود. بدین معنا که اگر کسی مرتکب جرایم متعدد شود که دارای مجازات درجه هفت و هشت باشد، به مجازات هر یک از جرایم ارتكابی از نوع درجه هفت و هشت محکوم می‌شود و در اجرا نیز قاعده جمع مجازات‌ها اعمال و تمامی مجازات‌ها به مورد اجرا گذاشته می‌شود همچنین اگر فردی مرتکب جرایم متعددی شود که برخی از آنها دارای مجازات درجه هفت و هشت باشد و برخی دیگر دارای مجازات درجه یک تا شش باشد، مجازات‌های جرایم درجه هفت و هشت با مجازات سایر درجه‌ها جمع می‌شود.

۶-۲-۲- تعدد جرم در حدود، قصاص و دیات

تعدد درباره حدود، قصاص و دیات حالت متفاوتی دارد و به طور معمول اگر کسی چند بار مرتکب قتل عمد شود، به چند بار مجازات قصاص محکوم می‌شود. درباره ارتكاب جرایم مستوجب حدود و دیه نیز به همین ترتیب عمل می‌شود، یعنی به جای اعمال مجازات اشد، حتی اگر اعمال مجرمانه یک نوع باشد ولی قربانی آن متعدد باشد، برای هر جرم یک مجازات مستقل تعیین می‌شود. به طور مثال اگر شخصی ۴ نفر را به قتل برساند، مستوجب ۴ دفعه مجازات قصاص است که اولیای دم می‌توانند نسبت به تقاضای اجرای آن اقدام کنند.

در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲، تغییراتی ایجاد شده است که نشان‌دهنده دقت بیشتر قانونگذار است. در تبصره یک ماده ۱۳۲ این قانون آمده است: چنانچه مرتکب به اعدام و حبس یا اعدام و تبعید محکوم شود، تنها اعدام اجرا خواهد شد. به این معنا که با وصف ارتكاب چند جرم، شخص فقط به یک مجازات محکوم می‌شود یا در جرایمی از قبیل لواط و زنا، اگر چند مجازات تعیین شود، مجازات اشد اعمال می‌شود. بر اساس تبصره ۲ و ۳ ماده ۱۳۲ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲، چنانچه دو یا چند جرم حدی در راستای هم و در یک واقعه باشند، فقط مجازات اشد اجرا می‌شود همچنین اگر مرد و زنی چند بار با یکدیگر مرتکب زنا شوند، چنانچه مجازات اعدام و جلد یا رجم و جلد ثابت باشد، تنها اعدام یا رجم حسب مورد اجرا می‌شود. همچنین بر اساس تبصره ۴ ماده ۱۳۲ اگر شخص به دو یا چند نفر توهینی کند که مستوجب قذف باشد، به همان میزان چند بار، یک مجازات نسبت به او اجرا می‌شود.

۶-۲-۳- تعدد جرایم موجب حد و تعزیر

در تعدد جرایم موجب حد و تعزیر یا جرایم موجب قصاص و تعزیر، مجازات جرایم حدی، تعزیر و قصاص با همدیگر جمع شده و همه آنها مورد حکم و اجرا قرار می‌گیرد اما در اجرا باید ابتدا مجازات جرم حدی یا قصاص اجرا شود و چنانچه اجرای حد یا قصاص موجب سلب حیات مرتکب شود و اجرای تعزیر را منتفی سازد، در این صورت چنانچه تعزیر جزو حق الناس یا از جمله تعزیرات معین شرعی باشد و اجرای اینگونه تعزیرات موجب تأخیر در اجرای حد نشود، ابتدا تعزیر اجرا می‌شود.

به طور مثال فردی به مجازات حدی اعدام برای بزه محاربه محکوم شده و در کنار آن به شلاق تعزیری از حیث ارتکاب فحاشی که حق الناس است نیز محکوم شده است. در این فرض چون شلاق تعزیری حق الناس است و موجب تأخیر در اجرای حد اعدام نمی‌شود ابتدا تعزیر اجرا و سپس مجازات حدی اجرا می‌شود. ابتکار قانونگذار درباره جرایم تعزیری در ماده ۱۳۴، بخشی از اصول مندرج در مواد ۴۶ و ۴۷ قانون سابق را تغییر داده است. به طور مثال در این ماده مقنن مقرر داشته است که در جرایم موجب تعزیر، هرگاه جرایم ارتكابی بیش از سه جرم نباشد، دادگاه برای هر یک از آن جرایم حداکثر مجازات مقرر را حکم می‌کند یعنی ۳ جرم با ۳ مجازات اشد اما اگر جرایم ارتكابی بیش از سه جرم باشد، مجازات هر یک را بیش از حداکثر مجازات مقرر قانونی، مشروط به اینکه از حداکثر به اضافه نصف آن تجاوز نکند، تعیین می‌کند.

در هریک از موارد فوق فقط مجازات اشد قابل اجراست و اگر مجازات اشد به یکی از علل قانونی تقلیل یابد یا تبدیل یا غیر قابل اجرا شود، مجازات اشد بعدی اجرا می‌شود همچنین تبصره دوم این ماده پیش‌بینی کرده است، در صورتی که مجموع جرایم ارتكابی در قانون عنوان مجرمانه خاصی داشته باشد، به طور مثال فرد قفل در گاوصندوق را بشکند و سرقت کند یا با اخذ عنوان، مرتکب کلاهبرداری شود، شخص فقط به عنوان سرقت و کلاهبرداری قابل تعقیب است و مقررات تعدد جرم اعمال نمی‌شود.

نظر به اینکه در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲، مجازات‌های تعزیری طبق ماده ۱۹ به ۸ درجه تقسیم‌بندی شده است، قانونگذار در تبصره ۴ ماده ۱۳۴ ابتکار جدیدی به کار برده است. طبق این تبصره مقررات مربوط به تعدد جرم در مورد جرایم تعزیری درجه‌های هفت و هشت یعنی جرایم سبکتر و کوچکتر اجرا نمی‌شود و این مجازات‌ها با هم و نیز با مجازات‌های تعزیری درجه یک تا شش جمع می‌شود. ممکن است در حالتی با مجرمی مواجه شویم که مرتکب جرایم حدی یا مستوجب قصاص و نیز مجازات مستوجب تعزیر شده باشد، در این خصوص قانونگذار تکلیف می‌کند که ابتدا مجازات‌ها برای هر جرمی تعیین و سپس با هم جمع شوند البته در زمان اجرا ابتدا حد یا قصاص اجرا می‌شود.

طبق تبصره ماده ۱۳۵ در صورتی که جرم حدی از جنس جرم تعزیری باشد، مانند سرقت حدی و سرقت غیر حدی یا زنا و روابط نامشروع کمتر از زنا، با اینکه هر یک از این جرایم مجازات خاص خود را دارند، مرتکب فقط به مجازات حدی محکوم و مجازات تعزیری ساقط می‌شود، مگر آن که جرم قذف باشد که شخص به مجازات توهین و نیز به مجازات قذف محکوم می‌شود.

۶-۲-۲-۴- تعدد جرم در قانون جدید مجازات

ماده ۱۳۱ قانون مجازات اسلامی تکرار ماده ۴۶ قانون مجازات سابق است و حکم تعدد معنوی را بیان کرده است. ۱۳۱- در جرائم موجب تعزیر هرگاه رفتار واحد، دارای عناوین مجرمانه متعدد باشد، مرتکب به مجازات اشد محکوم می‌شود. برای تحقق تعدد معنوی، از جمله؛ تعزیری بودن جرایم و واحد بودن فعل ارتكابی است. فعل واحد زمانی محل تلاقی عناوین متعدده جرم بوده و تعدد معنوی تحقق می‌یابد که تمامی اجزاء ارکان مادی و روانی لازم برای تحقق جرایم متعدد موردنظر، در فعل واحد ارتكابی و مرتکب موجود باشد. فقدان جزء یا اجزائی از ارکان مادی یا روانی جرایم، تحقق تعدد معنوی را منتفی می‌سازد.

مصادیق متعددی از جرایم تعزیری را می‌توان ذکر نمود که در صورت ارتکاب همزمان با عنوان یا عناوین مجرمانه تعزیری دیگر در قالب فعل واحد، مشمول قواعد تعدد معنوی می‌گردند، که در اینجا به ذکر پاره ای از این جرایم و مصادیق می‌پردازیم:

(۱) رشاء و خیانت در امانت: صدق عناوین مجرمانه رشاء و خیانت در امانت بر فعل واحد قابل تصور می‌باشد. شخصی که مال سپرده شده امانی به وی را برای انجام امری به کارمند دولت می‌دهد، با فعل واحد خود مرتکب جرایم رشاء و خیانت در امانت گردیده است.

(۲) خیانت در امانت و فروش مال غیر: اقدام فردی که مال غیرمنقول سپرده شده به وی (امانی) را با انعقاد قرارداد بیع به عنوان مالک به فرد دیگری منتقل می‌کند، می‌توان فعل واحد مشمول عناوین خیانت در امانت و فروش مال غیر دانست.

(۳) استفاده از سند معجول و فریب در ازدواج: فردی که با ارائه گواهینامه جعلی فارغ التحصیلی در مقطع دکتری، دختری را برای ازدواج با وی فریب دهد، فعل واحد وی می‌تواند هم زمان مشمول عناوین استفاده از سند معجول و فریب در ازدواج گردیده و تعدد معنوی محسوب گردد.

۴) ایجاد مزاحمت تلفنی و توهین: فردی که با توجه به خصومت قبلی با فرد دیگر به قصد مزاحمت و به دفعات با وی تماس تلفنی برقرار نموده و در حین تماس الفاظ توهین آمیز نسبت به وی به کار می برد، فعل واحد وی مشمول عناوین ایجاد مزاحمت تلفنی و توهین بوده و تعدد معنوی محقق است.

۵) شرکت در نزاع دسته جمعی و اخلال در نظم عمومی: فردی که در مکانی عمومی و پرتردد با افراد دیگری به نزاع می پردازد و از این طریق نظم و آرامش عمومی مختل شود، عمل وی هم زمان مشمول عناوین مجرمانه شرکت در نزاع دسته جمعی و اخلال در نظم عمومی بوده و قاعده تعدد معنوی اعمال می شود.

۶) شهادت کذب و مساعدت در خلاصی مجرم از محاکمه و محکومیت: شخصی که با قصد تبرئه متهم در دادگاه اقدام به اداء شهادت کذب می نماید فعل واحد وی مشمول عناوین متعدد؛ شهادت دروغ و مساعدت در خلاصی مجرم از محاکمه و محکومیت می گردد.

۷) آدم ربایی و قاچاق انسان: اگر آدم ربایی منحصرأ با مقاصد سوء؛ فحشاء، برداشت اعضاء و جوارح، بردگی یا ازدواج ارتکاب یابد، هم زمان می تواند مشمول عنوان مجرمانه قاچاق انسان موضوع قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳ نیز گردد.

۸) بهره کشی و بکارگیری کودکان به منظور ارتکاب اعمال خلاف و وسیله تکدی قراردادن طفل: عمل و فعل بهره کشی و بکارگیری کودکان به منظور ارتکاب اعمال خلاف (موضوع ماده ۳ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان) با توجه ارکان تشکیل دهنده در صورت ارتکاب، هم زمان می تواند مشمول عنوان کیفری؛ وسیله تکدی قراردادن طفل (موضوع ماده ۷۱۳ ق.م.ا) نیز قرار گیرد.

۹) تخریب و خیانت در امانت: فردی که مال سپرده شده به وی (امانی) را تخریب نماید، فعل واحد وی همزمان می تواند - با توجه به نوع مال و روش تخریب - مشمول یکی از عناوین مجرمانه تخریب نیز گردد.

۱۰) جعل و انتقال مال غیر: شخصی که با حضور در دفترخانه اسناد رسمی و معرفی خود به عنوان مالک و با جعل امضاء مالک اقدام به انتقال ملک دیگری می کند، عمل و فعل واحد وی مشمول عناوین متعدد جزایی؛ انتقال مال غیر و جعل می گردد.

۱۱) توهین و ایراد صدمه بدنی عمدی با چاقو: شخصی که در یک سمینار علمی به طرف یکی از سخنرانان حمله کرده و با توجه به شدت عصبانیت و به دلیل روابط نامشروع سخنران موردنظر با خواهرش، پس از پایین کشیدن شلوار وی، با استفاده از چاقو اقدام به بریدن آلت تناسلی وی می کند، همزمان فعل واحد وی مشمول عناوین مجرمانه؛ ایراد صدمه بدنی عمدی با چاقو و توهین می گردد.

۱۲) غصب عنوان و شروع به کلاهبرداری: فردی که به قصد کلاهبرداری و بردن مال دیگری اقدام به غصب عنوان (اختیار نمودن عنوان مجعول) می کند اما در نهایت به دلایلی خارج از اختیار، علی رغم توسل به وسیله متقلبانه (غصب عنوان) موفق به بردن مال نمی شود، عمل و فعل واحد وی همزمان می تواند مشمول عناوین متعدد جزایی؛ شروع به کلاهبرداری و غصب عنوان گردد.

ماده ۱۳۲ قانون جدید حکم تعدد در حدود رابیان می کند و جایگزین تبصره ماده ۴۷ قانون سابق است - در جرائم موجب حد، تعدد جرم، موجب تعدد مجازات است مگر در مواردی که جرائم ارتکابی و نیز مجازات آنها یکسان باشد.

الف - طبق این ماده در جرائم موجب حد تعدد جرم موجب تعدد مجازات است مگر در مواردی که جرائم ارتکابی و نیز مجازات آنها یکسان باشد.

ب- وفق تبصره ۱- چنانچه مرتکب به اعدام و حبس یا اعدام و تبعید محکوم گردد، تنها اعدام اجراء میشود.

ج- وفق تبصره ۲- چنانچه دو یا چند جرم حدی در راستای هم و در یک واقعه باشند، فقط مجازات اشد اجراء میشود؛ مانند تفخیذ در هنگام لواط که تنها مجازات لواط اجراء میشود.

ماده ۱۳۳ قانون جدید، حکم تعدد مادی در حدود و قصاص را بیان نموده است که فاقد سابقه در قانون سابق بوده است - ماده ۱۳۳ ق.م.ا در تعدد جرائم موجب حد و قصاص، مجازاتها جمع می شود. لکن چنانچه مجازات حدی، موضوع قصاص را از بین ببرد یا موجب تأخیر در اجرای قصاص گردد، اجرای قصاص، مقدم است و در صورت عدم مطالبه فوری اجرای قصاص یا گذشت یا تبدیل به دیه، مجازات حدی اجراء می شود.

در تبصره ۱ ماده ۱۳۳ قانون اسلامی مصوب ۱۳۹۰ (موضوع تعدد مادی) آمده است: «در صورتی که از رفتار مجرمانه واحد، نتایج مجرمانه متعدد حاصل شود، طبق مقررات فوق عمل می شود

از اینگونه مجازات‌ها در قانون مجازات نیز سراغ داریم ولی از آنجایی که مقنن در قانون مجازات تکلیف این مجازات‌ها را از جهت چگونگی احتساب حداقل و حداکثر مشخص نکرده است، بین حقوقدانان در مباحثی مانند معاونت و شروع به جرم در تعیین اقل و اکثر این نوع مجازات‌ها قول واحدی وجود ندارد.

قانون مجازات جدید برای جلوگیری از بوجود آمدن تفاسیر متفاوت، تبصره ۵ ماده ۳-۱۳۴ را در این رابطه و در قسمت مربوط به تعدد جرم وضع کرده است.

تبصره ۳-۱۳۴؛

تبصره ۳- در تعدد جرم در صورت وجود جهات تخفیف، دادگاه می‌تواند مجازات مرتکب را تا میانگین حداقل و حداکثر و چنانچه مجازات، فاقد حداقل و حداکثر باشد تا نصف آن تقلیل دهد.

۳.۶. تشدید مجازات در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

در بینش نظام‌های حقوقی کهن، بزهکار همواره در آینه‌ی افعال خویش شناخته می‌شد. زیرا پیشینیان جرم را پدیده‌ای زیان‌آور و ناشی از افعال مادی صرف به‌شمار می‌آوردند و مسئولیت را متوجه کسی می‌دانستند که از فعل او زینانی به دیگری می‌رسید. تفاوتی نمی‌کرد که این فعل از انسان یا حیوان یا نبات و حتی اشیاء بی‌جان صادر می‌شد. تنها تحقق جنبه موضوعی فعل و نتیجه‌ی خسارت بار آن مهم بود. از این رو کودک و نوجوان به همان اندازه مسئول افعال خویش شمرده نمی‌شدند که پیروکلان جرم چه به عمد و چه به خطا به یک میزان مسئولیت داشت.

علاوه بر آن، در حقوق قدیم، مسئولیت ناشی از جرم نه تنها بر فاعل مادی بلکه بر خویشان و بستگان او نیز بار می‌شد، زیرا فرد در جامعه‌های باستانی جزء جدایی‌ناپذیر اجتماع خود به‌شمار می‌آمد و به یک معنی شخصیت مستقل نداشت. به این ترتیب، مسئولیت جمعی در قبال جرم از سهم بزهکار به جبران عمل خود تا حدودی بسیار می‌کاست و او را به عنوان عامل انسانی در موضوع عدالت کیفری گمنام رها می‌ساخت. تأثیر این نوع بینش از فعل مجرمانه را می‌توان در بنیادهای حقوقی معاصر مانند ضمان عاقله که شاهد مثالی از مسئولیت گروهی است به وضوح مشاهده کرد. بر این اساس بسیاری از جرم‌شناسان در روزگار ما مدعی‌اند که حقوق کیفری کهن فقط جرم و مجازات را می‌شناخت و در مجموع از مجرم غافل بود.

ادعای آن را نباید به این دلیل که جرم‌شناسی امروز پدیده جنایی را واقعیتی انسانی و اجتماعی و روان‌شناسی بزهکار را فصلی از این دانش جدید می‌شناسد و تأثیر آن را بر رفتار آدمی می‌شناختند. ولی برخلاف جرم‌شناسان امروز که به شخصیت واقعی یا روان‌شناسی فردی و خلق و خوی خاص یکایک بزهکاران توجه دارند، نظر آنان به بزهکاران خصوصاً از این جهت معطوف بود که بتوانند بر اساس ضوابط عینی یا برونی هر یک را در طبقه و تقسیمات پیشاپیش تعیین شده نظیر دیوانگان، صفا، تکرار کنندگان جرم جا دهند. به عبارت دیگر شخصیت بزهکاران نه بر اساس شناسایی ذهنی که اکنون در روان‌شناسی جنایی معمول است بلکه بر مبنای شناسایی عینی تأویل می‌شد.

دستاوردهای جرم‌شناسی در یک سده‌ی اخیر هر چند بزهکاران را بهتر به عدالت کیفری شناساند، ولی این معرفت در محدوده مقولات حقوق کیفری کلاسیک همچنان باقی می‌ماند. از دیدگاه حقوقی بزهکار کسی است که مرتکب جرم شده و یا در تحقق آن مداخله داشته است. این تعبیر با آنچه از شخصیت ناسازگار بزهکار در جرم‌شناسی تعریف می‌شود تفاوت معرفت شناختی دارد.

از جهت عملی، مجرمی که مرتکب جرمی می‌شود و تحقیقات مقدماتی و صدور قرار مجرمیت و بعد کیفر خواست را پشت سر می‌گذارد، با توجه به بزه انجام یافته به دادگاه صالح هدایت می‌شود تا دادگاه به بررسی عمل و میزان کیفری که او باید تحمل کند بپردازد. در دادگاه چنانچه مقتضیات صدور حکم بر مجازات موجود باشد و اشکالی بر مسائل عنوان شده وارد نگردد، حکم کیفر صادر می‌شود. ولی قاضی برای صدور حکم گاه با عللی برخورد می‌کند که تخفیف یا تشدید مجازات را می‌طلبد، زیرا همیشه نمی‌توان عین مجازات قانونی را در مورد مجرم اعمال کرد. در همه‌ی این مراحل که مجازات در عمل نسبت به محکوم پیاده می‌شود مسائل متعددی پیش می‌آید که هر یک در جای خود می‌تواند به نوعی بیشتر شکلی، مجازات را تغییر دهد بی‌آنکه ماهیت آن را دگرگون سازد. گاهی اوقات عمل مجرمانه‌ای که صورت می‌گیرد

توأم با خطرات بیشتری برای جامعه بوده و بالمال تنفر و انزجار بیشتری را برای افراد جامعه به وجود می آورد. در این حالت مقنن مجازات های سنگین تری برای این قبیل افراد منظور می نماید. علاوه بر این ممکن است فردی با وجود آنکه مجازات جرم ارتكابی اولیه را تحمل نموده، متنبه نشده و مجدداً اقدام به تکرار همان جرم بنماید و یا اینکه به دفعات مرتکب جرمی شود. در این مورد نیز قانونگذار برای مرتکب جرم به علت تکرار و یا تعدد جرم مسئولیت کیفری بیشتر را قائل است و مجازات های سنگین تری را پیش بینی می کند. در مورد علل تشدید مجازات در قوانین جزائی کنونی باید توجه داشت که برعکس کیفیات مخففه که قاضی دادگاه می تواند با وجود این کیفیات در مجازات مرتکب جرم تخفیف قائل شود، تشدید مجازات فقط در صورتی امکان پذیر است که این مجازات از طرف خود قانونگذار پیش بینی شده باشد و دادرس دادگاه نمی تواند به میل و اختیار خود و در غیر مواردی که تشدید مجازات از طرف قانون تعیین شده باشد، مجازات جرمی را تشدید نماید، هر چند که جرم ارتكابی زننده و خطرناک باشد. موجباتی وجود دارد که به واسطه ی آنها موقعیت بزهکار را از نظر مجازات تشدید می کند. وقتی فردی مرتکب جرمی می شود حادثه اتفاق افتاده را می توان با عناصری چند مربوط دانست و بزه ارتكابی را از نظر منطقی و عقلی توجیه کرد. (چون از نظر قانونی تنها علل خاص توجیه کننده و یا تبرئه و معاف کننده می توانند موجب عدم مجازات باشند) و مجازات را تعدیل نمود. اما اگر بزهکاری علی رغم گذشت و اغماض جامعه، مجدداً جرم جدیدی مرتکب شود یا در لحظات مختلف جرایم گوناگونی را انجام دهد توجیه بزهکاری در این شرایط دشوارتر است و لذا جامعه به دلیل احساس خطر، شدت عمل بیشتری نسبت به مجرمان معمول می دارد. تکرار و تعدد جرم از علل تشدید کننده ی مجازات ها هستند زیرا هر دو دلالت بر حالت خطرناک بزهکار و آمادگی او برای ارتکاب جرایم دیگر دارند. این نظر هر چند توسط عده ای از جرم شناسان مردود اعلام شده اما در قوانین جزائی کشورهای مختلف با تکرار کنندگان جرم یا کسانی که جرایم متعدد انجام می دهند به نحو شدیدتری برخورد می شود. در ایران قبل از قانون راجع به مجازات اسلامی، قانون آزمایشی ۱۳۰۴ و قانون اصلاحی ۱۳۵۲ نسبت به تکرار و تعدد جرم در غالب جرایم معمولاً همان رویه ی کشورهای اروپایی را تعقیب می کردند، البته قانون اصلاحی ۱۳۵۲ خود مسائل تازه ای را نیز عنوان کرده بود. قانون راجع به مجازات ۱۳۶۱ در این موارد نیز با تفکیک تعزیرات از دیگر مجازات ها تکرار و تعدد را مطرح کرده بود.

نتیجه گیری

اصل منع تشدید مجازات در مرحله تجدیدنظر است مگر اینکه قانون آن را تجویز کرده باشد. منع تشدید مجازات محکوم علیه در مرجع تجدیدنظر، یکی از اهرم های دفاعی متهم در برابر جامعه است که به نوعی با تساوی سلاح ها (آشوری، ج ۲، ۱۳۸۴، ص ۲۹) که امروزه جزء لوازم حقوق دفاعی متهم تلقی می شود، ارتباط می یابد. این امر به نوعی با حقوقی که متهم در مرحله ی بدوی کسب کرده است، نیز ارتباط دارد.

منع تشدید مجازات به عنوان یک اصل و قاعده با استثنائاتی مواجه است. با توجه به اینکه دادستان به نمایندگی از طرف جامعه و به حکم اصل قانونی بودن تعقیب، مکلف به تعقیب (شهری، ج ۲، ۱۳۷۵، ص ۱۰۲) و اجرای حکم محکومیت متهمان است، در اجرای این تکلیف مجاز به تقاضای تشدید مجازات نیز شده است. هر چند دادگاه مکلف به تشدید نیست، اما، مقنن برای پاسداری از حقوق عمومی، به دادستان اجازه ی درخواست تشدید مجازات و به دادگاه، اجازه ی تشدید مجازات را داده است. تجویز تشدید مجازات به درخواست شاکی خصوصی، این ایده را که امروزه از نقش روز افزون بزه دیده در سیستم عدالت کیفری سخن می رانند، تقویت کرده است. به عبارت دیگر، بزه دیده نه فقط در فرایند دعوی عمومی، بلکه در به مجازات رساندن و تعیین میزان مجازات نیز صاحب نقش شناخته شده است. اعطای این نقش به بزه دیده، این تصور را در ذهن ایجاد میکند که قانونگذار به ایده های انتقام جویی که بیش تر از سوی بزه دیده تعقیب می شود، نزدیک شده است. این امر در حدی که به تضمین حقوق شاکی بینجامد و مانع از سوءاستفاده ی متهم از اشتباهات قضایی به شکل برخورداری از مجازات کمتر شود، امری پسندیده است، اما، در فرضی که به اهرمی برای کوبیدن متهم در چارچوب سیستم عدالت کیفری منجر شود، امری نکوهیده خواهد بود.

مراجع

۱. اخوت، محمد علی؛ ۱۳۸۵، تفصیل مسائل حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات صابریون، چ اول.
۲. ارتباطی ایرانی، بابک، مجموعه نظرهای مشورتی جزایی، انتشارات مجد، چاپ اول، سال ۸۴
۳. اردبیلی، محمد علی، ۱۳۸۸، حقوق جزای عمومی، انتشارات میزان، جلد دوم، چاپ بیستم.
۴. اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، جلد اول، انتشارات میزان، چاپ پنجم، سال ۸۳
۵. استفانی، گاستون، و سایرین، ۱۳۷۷، ترجمه دکتر حسن دادبان، حقوق جزای عمومی، جلد ۲، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
۶. اصلی، عباس، ۱۳۸۹، ترجمه قانون مجازات آلمان، تهران، چاپ اول، انتشارات مجد.
۷. امین بک، احمد، شرح القانون العقوبات الاهلی، جلد دوم، انتشارات بیروت، چاپ دوم، سال ۱۹۸۲
۸. ایمانی، عباس؛ ۱۳۸۲، فرهنگ اصطلاحات حقوق کیفری، تهران، انتشارات آریان، چ اول.
۹. آرشیو حقوقی کیهان، مجموعه رویه قضایی، آراء هیأت عمومی دیوان عالی کشور از سال ۱۳۲۸ تا سال ۱۳۴۲، جلد اول، چاپ دوم، ۱۳۵۳.
۱۰. آزمایش، سید علی، تقریرات جرایم علیه اموال، پلی کپی دانشگاه تهران، سال ۷۳
۱۱. آشوری، محمد، ۱۳۸۲، جایگزین‌های مجازات زندان یا مجازات‌های بنیابین، تهران، نشر گرایش، چاپ اول..
۱۲. آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، تهران، انتشارات سمت، چاپ نهم، ۱۳۸۴.
۱۳. آشوری، محمد، فتحی، محمد جواد، ۱۳۸۸، ارزیابی قواعد ناظر به کیفیات مخففه در حقوق ایران، فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۹، شماره ۲.
۱۴. آشوری، محمد؛ «جایگزین‌های زندان، مجازات بنیابین»، گرایش ۲۸، ۱۳۸۵.
۱۵. آقائی نیا، حسین، جرایم علیه اشخاص، جلد اول، انتشارات میزان، چاپ دوم، سال ۸۶
۱۶. آنسل، مارک؛ «دفاع اجتماعی»، مترجم: آشوری، محمد و نجفی ابرنآبادی، علی حسین، چاپ سوم، دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.
۱۷. باختر، سید احمد، رئیسی، مسعود، آراء وحدت رویه حقوقی و جزایی، انتشارات خط سوم، چاپ دوم، سال ۸۴.
۱۸. باهری، محمد، ۱۳۸۴، نگرشی بر حقوق جزای عمومی، انتشارات مجد، چاپ دوم.
۱۹. بهنام، رمسیس، النظریه العامه القانون الجناحی، انتشارات منشأ للمعارف اسکندریه، چاپ اول، سال ۱۹۹۹
۲۰. پوت واین، دیوید و ساموتر، آیدن؛ «روانشناسی و جرم»، ترجمه: نجفی توانا، داوود، بنیاد حقوقی میزان، چاپ دوم، زمستان ۸۶
۲۱. پیمانی، ضیاء الدین، بررسی تاریخی و تطبیقی تعدد جرم، انتشارات معاونت پژوهشی، چاپ اول، سال ۷۴
۲۲. پیمانی، ضیاء الدین، ۱۳۷۴، بررسی تاریخی و تطبیقی قاعده تعدد جرم، انتشارات مجتمع آموزش عالی قم، چاپ اول.
۲۳. پین، مالکوم؛ «مددکاری و مراقبت اجتماعی»، مترجم: زواره یی، فاطمه، دانشگاه علامه طباطبائی، اسفند، ۱۳۸۶.